

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵

ارتقای عدالت توزیعی در پرتو اجرای طرح اعتبارسنجی شهروندان مبتنی بر نظام قانونی ایران

احمد احسانی فر^۱

چکیده

اعتبارسنجی شهروندان با مبانی حقوقی مربوط به برقراری عدالت توزیعی و مبانی اقتصادی مربوط به ایجاد شفافیت مالی و اقتصادی در تبادلات تجاری و معاملاتی و ایجاد امنیت اقتصادی، دیرزمانی است که در نظام قانونی برخی کشورها مطرح و در برخی حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه‌های مالی و اقتصادی عملیاتی شده است. اندیشه توزیع عادلانه ثروت، خدمات، تسهیلات و امکانات بر مبنای شایستگی و اهلیت شهروندان از نخستین روزهای شکل‌گیری نظام‌های حقوقی و سیاسی و نزد اندیشمندان و فیلسوفان سیاست و حقوق مطرح بوده است. همین اندیشه سبب گشت در مقام عمل به متناسب‌سازی اعطا و ارائه خدمات، امکانات، تسهیلات و حقوق اجتماعی با اهلیت، شایستگی و لیاقت اشخاص توجه شود. در مقابل، رفتارهای غیرقانونی، نامتعارف و غیراخلاقی در ساحت‌های گوناگونی بسان جرم، تخلف، تقصیر و قصور، بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی و حکومتی باعث سلب برخی حقوق اجتماعی یا عدم ارائه و اعطای برخی امکانات، تسهیلات و خدمات گردد. اعتبارسنجی شهروندان و تخصیص مدیریت‌شده امکانات، تسهیلات، خدمات و حقوق اجتماعی بر مبنای شاخص‌های تعریف‌شده در نظام قانونی ایران مطرح گردیده است و می‌توان گرایش فکری قانون‌گذار را در پذیرش و تأیید ایده متناسب‌سازی استنباط کرد. هم از حیث مقاصد و اغراض قانون‌گذاری این گرایش مشهود است و هم در اجرای ایده متناسب‌سازی در برخی مصادیق و موضوعات خاص و جزئی می‌توان به این گرایش قانون‌گذار پی برد. مقاله پیش‌رو تحقیقی است درباره فرایند اجرای اعتبارسنجی و مؤیدات فکری و عملی آن در نظام قانونی ایران، به‌همراه الزامات قانونی اقتضائی برای اجرای این طرح.

واژگان کلیدی

اعتبارسنجی، سامانه اعتبارسنجی، اهلیت اعتباری، امتیاز اعتباری، گزارش اعتباری

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده قوه قضائیه، تهران، ایران Ehsanifar@gmail.com

مقدمه

اعتبارسنجی اشخاص و شهروندان بر مبنای مؤلفه‌های مختلف مالی، شغلی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی، تحصیلی، حقوقی و کیفری در برخی نظام‌های قانونی در سطوح گوناگون به وجود آمده است و بر حسب اعتباری که به هر شخص داده می‌شود مجموعه‌ای از امتیازات و حقوق اجتماعی به وی اعطا می‌گردد.

از این رو مؤسسات مالی و اعتباری نظیر بانک‌ها و بیمه‌ها، ادارات دولتی نظیر ثبت احوال، ادارات صدور کارت‌های شناسایی، ادارات صدور گذرنامه، مراکز بهداشتی و درمانی و پزشکی، مؤسسات کارایی، مؤسسات تبلیغاتی، مؤسسات و شرکت‌های خصوصی و خرده‌فروش‌ها از این شیوه به منظور اعطای تسهیلات و امتیازات خود بهره می‌گیرند.

بدین منظور برخی نظام‌های قانونی درصدد ایجاد سیستم‌های الکترونیکی برآمده‌اند که به جمع‌آوری اطلاعات اشخاص در دو بعد شخصی و اجتماعی در یک پایگاه داده می‌پردازد. ایجاد این سیستم‌های الکترونیکی هم می‌تواند منجر به نظارت و کنترل بیشتر نهادهای حاکمیتی بر اشخاص جامعه و معاملات داخلی و خارجی آنها گردد و هم می‌تواند منجر به ارتقای شاخص عدالت توزیعی در بهره‌مندی اشخاص جامعه از امتیازات و امکانات اجتماعی شود و هم شفافیت قابل توجهی در نحوه توزیع ثروت و چگونگی انعقاد تبادلات تجاری ایجاد می‌نماید.

نخستین خدماتی که اشخاص بر مبنای لیاقت و شایستگی خویش از آن بهره‌مند می‌شدند، تسهیلات مالی و تجارتی بود. همچنین نخستین خدماتی که اشخاص به علت رفتارهای خود از آن محروم می‌شدند نیز در حوزه تسهیلات مالی و تجارتی بود. از این رو نخستین ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهایی که این شایستگی را در اشخاص ایجاد می‌کرد یا شایستگی بهره‌مندی از تسهیلات را از آنان سلب می‌نمود، ملاک‌های مالی بود. با این حال، نه حوزه اعطای خدمات، امکانات و بهره‌مندی از حقوق اجتماعی، صرفاً به تسهیلات مالی محدود ماند و نه ملاک‌های اعتبارسنجی اشخاص منحصر در معیارهای مالی باقی ماند. نظام‌های حقوقی اعمال ایده متناسب‌سازی اعطا و ارائه خدمات با شایستگی اشخاص را در قلمرو گسترده‌تر و در حوزه‌های کلان‌تر و وسیع‌تر مطالبه می‌نمودند؛ چراکه شفافیت بیشتر، امنیت اقتصادی فراتر و به‌ویژه اعمال دقیق‌تر عدالت توزیعی اقتضای آن را داشت که از حوزه محدود تسهیلات مالی و معیارهای مالی عبور شود و تسهیلات موجود در سایر حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، مدنی و حقوقی نیز بر مبنای شایستگی‌های ویژه اشخاص ارائه شود. با گسترده‌تر شدن شبکه توزیع خدمات، معیارهای اعتبارسنجی نیز از معیارهای صرفاً مالی به معیارهای غیرمالی نیز تسری و توسعه یافت.

اعتبارسنجی اشخاص نه تنها در تعیین نوع تسهیلات و محصولاتی که به هر شخص اعطا می‌گردد مؤثر است، بلکه اشخاص حقیقی در روابط شخصی و تعاملات با یکدیگر نیز می‌توانند از این امتیاز کمک بگیرند؛ برای مثال در دادن قرض، انتخاب مستأجر، مستخدم، انتخاب شریک تجاری یا حتی انتخاب

همسر.

در نظام قانونی ایران نیز ردّ پای توجه به اعتبارسنجی قابل مشاهده است؛ چنان که می توان مقاصد و اغراض نظام قانون گذاری را به سمت پذیرش این فرایند ترسیم کرد و ارتکاز مستقر قانون گذار مبنی بر ایجاد نظام اعتبارسنجی و اعطای امکانات متناسب با امتیاز اعطایی به اشخاص را از وضعیت کنونی نظام قانونی استنباط کرد.

۱. فرایند اعتبارسنجی و متناسب سازی ارائه خدمات بر مبنای امتیاز اعتباری

در فرایند اعتبارسنجی و متناسب سازی ارائه امکانات با امتیاز اعتباری با مراحل، نهادها و مراکز، عناوین و اصطلاحاتی مواجهیم که در ادامه به بیان این عبارات در نظام قانونی ایران می پردازیم.

۱-۱. مراکز اعتبارسنجی

سازمان های گردآورنده داده ها با نام مرکز سنجش اعتبار^۱ مسئولیت تهیه گزارش های اعتباری با هدف ارائه خدمات اعتبارسنجی می باشند. از آن جا که نهاد گردآورنده اطلاعات و داده های مالی، معاملاتی و تجارتي اشخاص جزء سازمان های استراتژیک محسوب می شوند در برخی از کشورها در چارت سازمانی بانک مرکزی تعریف می شوند. در ایران نیز منطبق با بند خ ماده ۱ آیین نامه سنجش اعتبار، پایگاه اعتبار داده توسط بانک مرکزی راهبری می شود. به علاوه ریاست شورای سنجش اعتبار منطبق با ماده ۲ این آیین نامه، با قائم مقام بانک مرکزی است و منطبق با تبصره ۲ این ماده، بانک مرکزی مسئولیت دبیرخانه شورای مذکور را برعهده خواهد داشت. همچنین در راستای وظیفه نظارتی بانک مرکزی بر مراکز اعتبارسنجی، منطبق ماده ۷ آیین نامه مذکور، شرکت های اعتبارسنجی موظفند اطلاعات و مستندات مورد نظر را به صورت مستمر و تحت شرایطی که بانک مرکزی تعیین می کند به آن بانک ارائه دهند. افزون بر این، منطبق با ماده ۸ آیین نامه، شرکت های اعتبارسنجی موظف به همکاری با ناظران و بازرسان بانک مرکزی می باشند و باید تمامی اطلاعات و مستندات مورد درخواست بانک مرکزی را در اختیار آنها قرار دهند.

مراکز اعتبارسنجی با تهیه گزارش های اعتباری و اعطای امتیاز اعتباری، وضعیت اعتباری هر شخص حقیقی یا حقوقی و در واقع کمیت و کیفیت ارائه تسهیلات به آن شخص را مشخص می سازند.

سازمان های سنجش اعتبار به مثابه بانک اطلاعات، داده های مثبت و منفی هر شخص را از نهادهایی نظیر دادگاه های قضایی، نهادهای شبه قضایی، دواير و ادارات ثبتی، ادارات و سازمان های دولتی و دستگاه های خصوصی مانند نهادهای مالی اعطاکننده تسهیلات و بانک ها دریافت می نمایند و در پروفایل مخصوصی برای هر شخص ثبت و ذخیره می کنند. سپس با استفاده از مدل های آماری سنجش اعتبار،

۱. Credit Bureau.

به آن شخص امتیاز آماری می‌دهند و این گزارش‌ها و امتیازات اعتباری برای تصمیم‌گیری ارائه‌دهندگان خدمات و تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در نظام قانونی ایران، مراکز اعتبارسنجی در قالب «شرکت اعتبارسنجی» سامان‌دهی شده است. منطبق با بند د ماده ۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، شرکتی است که با استفاده از اطلاعات موجود در پایگاه داده اعتباری و اطلاعات موجود نزد سایر تأمین‌کنندگان و مبتنی بر روش‌ها و الگوهای (مدل‌های) کمی و کیفی معتبر، نسبت به تعیین امتیاز اعتباری اشخاص و سایر خدمات اعتباری که توسط شورای سنجش اعتبار به آن محول شده است اقدام می‌کند.

۲-۱. تأمین‌کنندگان اطلاعات

تأمین‌کنندگان اطلاعات در هر کشور متناسب با سیاست‌های آن کشور متفاوت است. در بسیاری از کشورها اخذ اطلاعات از دادگاه‌های کیفری برای مشخص شدن سابقه کیفری شخص مهم‌ترین مؤلفه برای اعطای امتیاز مدنی محسوب می‌شود. علاوه بر دادگاه‌های کیفری، اخذ اطلاعات از سازمان‌های دیگری نیز مرسوم است که می‌توان به این سازمان‌ها اشاره کرد:

اخذ اطلاعات از دادگاه خانواده برای مشخص شدن درگیری‌های خانوادگی یا جدایی شخص از همسر؛ اخذ اطلاعات از ادارات و دوائر ثبت اسناد و املاک و بنگاه‌های املاک به منظور شناسایی توانایی مالی شخص و در صورتی که موجر یا مستاجر است برای مشخص شدن نوع رابطه وی با طرف دیگر قرارداد؛ اخذ اطلاعات از پلیس راهنمایی و رانندگی به منظور مشخص شدن میزان تخلفات و جرایم رانندگی و نمرات منفی وی در این زمینه؛ اخذ اطلاعات از بانک‌ها به منظور مشخص شدن میزان پایبندی شخص به تعهدات خویش و بازپرداخت اقساط تسهیلات؛ اخذ اطلاعات از ادارات مالیات به منظور مشخص شدن پایبندی شخص به پرداخت مالیات؛ اخذ اطلاعات از شرکت‌های ارائه‌دهنده اینترنت به منظور مشخص شدن سایت‌هایی که شخص به طور معمول به آن رجوع می‌کند و خریدهای آنلاین؛ اخذ اطلاعات از شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات تلفن همراه به منظور مشخص شدن مکالمات شخص.

علاوه بر سازمان‌های فوق، هر کشور برحسب مبانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش ممکن است از سازمان‌های دیگری نیز اطلاعات ویژه‌ای از اشخاص را اخذ نماید.

در کشور آمریکا به منابعی که اطلاعات هر شخص از آنجا گردآوری می‌شود «فرینشرهای داده» گفته می‌شود که شامل مؤسسات وام‌دهنده، آژانس‌های ثبت دیون، طلبکاران، دادگاه‌ها و هر نهادی می‌گردد که شخص با آن مرادده داشته است. فرینشرهای داده سوابق مرادداتی شخص با آنها را طی گزارشی به مراکز اعتبارسنجی تحویل می‌دهند

(<https://cards.barclaycardus.com/banking/cards/frontier-airlines-world-mastercard>)

در برخی کشورها اشخاص حقیقی نیز موظف به تأمین اطلاعات می‌باشند. برای مثال در کشور فرانسه

اگر کسی از وقوع جنایتی باخبر شود و آن را به اطلاع پلیس نرساند مجرم شناخته می‌شود. جرم وی تحت عنوان «جرائم علیه عدالت قضایی» شناخته می‌شود (محسنی، ۱۳۸۴: ۸۴).

منطبق با بند ح ماده ۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، نهادهای ارائه‌دهنده اطلاعات به مراکز اعتبارسنجی با عنوان «تأمین‌کنندگان» مشتمل بر دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات اعتباری، سایر نهادهای فعال در بازار پولی به تشخیص بانک مرکزی، شرکت‌های بیمه و سایر اشخاص حقوقی هستند که بنا به ماهیت فعالیت خود به برخی داده‌ها و اطلاعات مربوط به اشخاص که در تحلیل و پیش‌بینی رفتار اعتباری آنها مؤثر است، دسترسی دارند و به همین دلیل می‌توانند منبع اطلاعاتی برای شرکت اعتبارسنجی محسوب شوند؛ ازجمله بانک مرکزی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، شرکت‌های واسپاری، شرکت‌های تعاونی اعتبار، صندوق‌های قرض الحسنه، بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه کشور، شرکت‌های بیمه، سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان بورس و اوراق بهادار، وزارت دادگستری، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر دستگاه‌های زیرمجموعه قوه قضاییه، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمان ثبت احوال کشور، سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی، شرکت مخابرات ایران، کارورهای (اپراتورهای) تلفن همراه، شرکت‌های آب و فاضلاب، شرکت‌های برق منطقه‌ای و شرکت ملی گاز ایران.

منطبق با ماده ۲۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، تأمین‌کنندگان موظفند ظرف مهلت‌های زمانی مقرر که به تصویب شورای سنجش اعتبار می‌رسد، با فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم، اطلاعاتی را که موجب تکمیل نظام سنجش اعتبار می‌شود از طریق بستر شبکه ملی اطلاعات در اختیار شرکت اعتبارسنجی قرار دهند.

۳-۱. معیارها، شاخص‌ها و ملاکات اعتبارسنجی

اطلاعات گوناگونی از نهادهای مختلف در جهت تعیین امتیاز مدنی هر شخص جلب می‌شود که میزان تأثیرگذاری این داده‌ها در امتیاز اعطاشده به اشخاص در نظام‌های حقوقی مختلف بر حسب مبانی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی آنها متفاوت است. بر این اساس مؤلفه‌هایی که بر مبنای آن به هر شخص اعطای امتیاز می‌شود در نظام‌های حقوقی مختلف، تفاوت می‌کند. مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در امتیاز مدنی اشخاص عبارتند از: اطلاعات شناسایی و هویتی، اطلاعات خانوادگی، اقامتگاه و تابعیت، گروه‌هایی که شخص در آن عضویت دارد و گروه‌های سیاسی و اجتماعی فعال در آن، اطلاعات بیماری، اطلاعات شغلی و اطلاعات تحصیلی، رفتارهای مالی و اجتماعی و سیاسی، تخلفات رانندگی، سوء پیشینه و تخلفات، فعالیت‌های شخص در شبکه‌های اجتماعی، سوابق خرید افراد، امتیازدهی اشخاص به یکدیگر، مکان‌هایی که شخص در آن جا رفت و آمد مستمر دارد، محصولات و خریداری می‌نماید، اشخاصی که او

را می‌شناسند، امتیازات اخذشده در گواهینامه رانندگی و تخلفات رانندگی، امتیازی که همکاران و مرتبطان به وی می‌دهند، تعهدات و دیون شخص، سابقه شخص در پرداخت بیمه، معاملات تجارتي خرد و کلان شخص که نمایانگر میزان توانایی مالی شخص است و به‌ویژه معاملات مربوط به اموال غیرمنقول. هر مؤلفه در هر نظام حقوقی خاص ارزش و تأثیر متفاوتی نسبت به نظام دیگر خواهد گذاشت. برای مثال مؤسسه مالی موون آمریکا در سال ۲۰۱۱ و مؤسسه مالی لندو سنگاپور، چنان بر جایگاه مؤلفه فعالیت شخص در شبکه‌های اجتماعی در امتیازدهی به اشخاص برای اخذ تسهیلات تأکید نموده‌اند که هر شخصی که چند بار از واژه «پارتی» در این شبکه‌ها استفاده کرده باشد، امتیاز لازم برای اخذ تسهیلات را به‌دست نمی‌آورد.

(<https://www.globalbankingandfinance.com/hello-soda-is-revolutionizing-the-financial-services-and-fraud-detection-markets>; <https://twocents.lifehacker.com/1791613358>)

سامانه‌های اعتبار می‌توانند مؤلفه‌های شخصی و اجتماعی متعددی از اشخاص را در اعتبارسنجی آن‌ها لحاظ کنند؛ لکن عمده این سامانه‌ها اعتبار مالی اشخاص را امتیازبندی می‌کنند. امتیازی که به‌منظور محک زدن توان مالی شخص به‌منظور برخورداری از تسهیلات به وی تعلق می‌گیرد امتیاز اعتباری نامیده می‌شود. در نظام قانونی ایران، منطبق با بند ت ماده ۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، توانایی و پیشینه اشخاص در بازپرداخت تسهیلات و ایفای تعهدات با توجه به بررسی سوابق و مستندات مالی، بانکی و اعتباری آنها یا سایر روش‌های موجود، با عنوان «اهلیت اعتباری» شناخته شده است.

با این حال، امتیاز اعتباری به تنهایی نمی‌تواند ملاک مناسبی برای تشخیص اعتبار واقعی شهروندان تلقی گردد. به همین منظور اخیراً سامانه‌های اعتبار اجتماعی^۱ در برخی کشورها نظیر چین به‌وجود آمده‌اند که علاوه بر مؤلفه‌های مالی، مؤلفه‌های مربوط به خوشنامی اجتماعی و مدنی که از عملکرد و رفتار اجتماعی هر شهروند ناشی می‌شود را نیز در امتیازدهی اعتبار مؤثر می‌سازد. به‌منظور تفکیک این امتیاز از امتیاز مالی و اعتباری هر شخص، این امتیاز را امتیاز اعتبار اجتماعی^۲ می‌نامند

(<https://www.wired.com/story/china-social-credit-score-system>)

۴-۱. سامانه اعتبارسنجی، امتیاز اعتباری و گزارش اعتباری

اطلاعات واسله از نهادهای تأمین‌کننده اطلاعات در «پایگاه داده اعتباری» ثبت و ذخیره می‌شود که منطبق با بند خ ماده ۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، سامانه‌ای اطلاعاتی شامل مشخصات سجلی و ثبتی اشخاص و سوابق و عملکرد اعتباری، ورشکستگی و محکومیت‌های مالی و بدهی مالیاتی آن‌ها در شبکه

۱. Social Credit System.

۲. Social Credit Score.

بانکی، قوه قضاییه، وزارت دادگستری و سازمان امور مالیاتی است.

سامانه‌های اعتبار^۱ برنامه‌هایی هستند که برحسب مؤلفه‌های تأثیرگذار که وضعیت شخص را مشخص می‌کند، اعتباری برای او در این فضای مجازی ایجاد می‌شود. از این سامانه‌ها در پایگاه‌های مجازی که به تجارت الکترونیک می‌پردازند به‌طور عمده استفاده می‌شود، مانند آمازون و ای‌بی و اخیراً در دیجی‌کالا. امتیازی که از مجموع امتیازات داده‌شده به شخص حاصل می‌شود، امتیاز اعتباری^۲ نامیده می‌شود که یک عبارت عددی بوده و بر اساس تکنیک‌های آماری از سوابق جاری و پیشینه‌ای شخص حقیقی یا حقوقی به‌دست می‌آید و نسبت به گزارش‌های توصیفی و متنی قابل اعتمادتر می‌باشد و عدالت را در توزیع امکانات به نحو ضابطه‌مند و دقیق‌تری به منصفه اجرا درمی‌آورد.

گزارش‌های اعتباری^۳ که گونه‌ای بایگانی از اطلاعات متنی و توصیفی درباره وضعیت مالی و هویتی درخواست‌کننده تسهیلات است که دربردارنده امتیاز اعتباری می‌باشد. منطبق با بند ۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، گزارش اعتباری گزارشی است که دربردارنده امتیاز اعتباری اشخاص است و منطبق با بند ۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، امتیاز اعتباری شاخصی کمی و مبتنی بر روش‌شناسی مشخص و از قبل اعلام‌شده به بانک مرکزی توسط شرکت اعتبارسنجی است که بیانگر احتمال عدم بازپرداخت به‌موقع (نکول) توسط اشخاص است.

امروزه با وجود دسترسی به اینترنت و پایگاه‌های داده‌ای الکترونیکی، کل اطلاعات اشخاص از طریق اتصال یک پایگاه واحد به ادارات و سازمان‌ها جمع‌آوری شده و در پرونده فرد ثبت می‌گردد.

۵-۱. استفاده‌کنندگان از امتیاز اعتباری

پس از ثبت امتیاز اعتباری اشخاص در سامانه، مراکز ارائه‌دهنده تسهیلات و خدمات، به‌منظور متناسب‌سازی ارائه امکانات از مراکز اعتبارسنجی تقاضای در اختیار قرار دادن امتیاز اعتباری اشخاص را می‌نمایند که در نظام قانونی ایران، منطبق با بند ۴ ماده ۱ آیین‌نامه سنجش اعتبار، مراکز متقاضی که مجاز به دریافت امتیاز اعتباری اشخاص از مراکز اعتبارسنجی می‌باشند با عنوان «استفاده‌کننده» شناسایی می‌شوند. خدمات شرکت‌های اعتبارسنجی باعث می‌شود که مؤسسات اعتباردهنده با ریسک کمتری بتوانند تصمیمات سریع‌تر را نسبت به اعطای تسهیلات به مشتریان حقیقی یا حقوقی خود اتخاذ نمایند. این شرکت‌ها با جمع‌آوری و یکپارچه‌سازی اطلاعات تجمیع‌شده در خصوص وضعیت فعلی و سوابق گذشته اشخاص، تحلیل درستی از رفتار بازپرداختی و ارزشمندی اعتباری مشتریان ارائه می‌دهد.

۱. Reputation system.

۲. Credit Score.

۳. Credit History.

اخذ امتیاز از مراکز اعتبارسنجی توسط مؤسسات استفاده‌کننده جهت اعطای تسهیلات، گاه اختیاری و گاه اجباری است. برای مثال منطبق با ماده ۱۴ آیین‌نامه سنجش اعتبار، مؤسسات اعتباری، اعم از بانکی یا غیربانکی، موظفند به‌منظور اعطای تسهیلات و ایجاد تعهدات، نتایج حاصل از گزارش اعتباری را از شرکت‌های اعتبارسنجی اخذ کند. بدین ترتیب بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در اعطای وام و تسهیلات و تضمینی که اشخاص برای اخذ وام در نزد بانک می‌سپارند میزان اعتبار اشخاص را معیار قرار می‌دهد و هر شخص که از اعتبار فراتری برخوردار باشد وام بیشتری خواهد گرفت و در مقابل، تضمین کمتری می‌سپارد. همچنین سود وام بر مبنای اعتبار شخص مشخص می‌شود. در سوی مقابل، اعتبار کمتر باعث تقلیل برخی امتیازات می‌شود؛ مانند برخورداری از تخفیف مالیاتی کمتر، نرخ بیمه بالاتر، نرخ سود بالاتر در اخذ تسهیلات بانکی، جریمه رانندگی سنگین‌تر. همچنین اعتبار پایین گاه برخی از حقوق اجتماعی را از بین می‌برد یا محدود می‌نماید، مانند حق رأی، حق حضور در هیئت منصفه دادگاه‌ها، حق مدیریت دوایر عمومی، حق خدمت در آتش‌نشانی، حق خدمت در اداره پلیس، دریافت کمک‌هزینه‌های تحصیلی، حق رفتن به برخی سفرهای خارجی، حق استخدام در برخی مشاغل، حق گشودن حساب بانکی.

(<https://www.mastercard.us/credit-type/good-credit>)

همچنین امتیاز اعطاشده به هر شخص در استخدام وی در دستگاه‌های دولتی یا خصوصی نیز مؤثر است و هر مؤسسه دولتی یا خصوصی امتیاز مشخصی را جهت جذب کارمند و مستخدم معرفی می‌نماید که هر شخصی که فاقد این امتیاز است، توان استخدام در آن مؤسسه را نخواهد داشت.

علاوه بر موارد فوق، امتیاز مدنی هر شخص در موارد دیگری نیز کاربرد دارد؛ نظیر تعیین درجه کلاس هواپیما یا هتلی که شخص می‌تواند از آن استفاده کند، تعیین درجه مدرسه‌ای که فرزند شخص می‌تواند در آن تحصیل نماید، کرایه خودرو بدون نیاز به سپرده، خدمات موبایلی بیمارستانی، هزینه اخذ ویزا، لیزینگ مسکن و خوردو، تسهیلات سفر، اجاره مسکن.

(<https://www.credits://fortune.com/2017/03/14/10-charges-never-put-on-credit-card>;
<https://fortune.com/2017/03/14/10-charges-never-put-on-credit-card>)

۶-۱. گزارش‌های اعتباری در شرکت‌های اعتبارسنجی

در نظام قانونی ایران، اعتبارسنجی، هم نسبت به اشخاص حقیقی و هم نسبت به اشخاص حقوقی با تصویب آیین‌نامه سنجش اعتبار (مصوب ۱۳۹۸) عملیاتی گردید. مراکز اعتبارسنجی منطبق با این آیین‌نامه به «شرکت اعتبارسنجی» محول شده است. منطبق با ماده ۳ این آیین‌نامه، هر شرکت اعتبارسنجی صرفاً در قالب شرکت سهامی به‌صورت غیردولتی، با موافقت اصولی شورای سنجش اعتبار و مجوز بانک مرکزی و تحت نظارت آن بانک فعالیت می‌کند و سقف تملک سهام شرکت مذکور برای اشخاص توسط شورای سنجش اعتبار تعیین می‌شود.

ارائه سه نوع گزارش توسط شرکت‌های اعتبارسنجی در ایران متداول است که عبارتند از: گزارش اعتباری پایه، گزارش اعتباری پیشرفته و گزارش ارزیابی. در گزارش‌های اعتباری پایه، اطلاعاتی بسان تعداد اقساط، مبلغ بدهی‌های سررسیدشده و پرداخت‌نشده، مبلغ بدهی‌های سررسیدشده و پرداخت‌شده، مجموع بدهی‌های موجد و سررسیدنشده، تعداد تسهیلات در جریان و خاتمه‌یافته درج می‌گردد. در گزارش‌های اعتباری پیشرفته، بدهی‌های غیرمستقیم شخص به معنای ضمانت‌هایی که شخص نسبت به بدهی مستقیم دیگران برعهده گرفته نیز درج می‌گردد.

گزارش ارزیابی حاوی رتبه و امتیاز اعتباری مشتریان برای استفاده شعب بانک‌ها می‌باشد که رفتار احتمالی مشتری نسبت به بازپرداخت اقساط تسهیلات را بر مبنای اهلیت اعتباری وی مشخص می‌سازد. در این گزارش، اشخاص به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند و برای هر شخص علاوه بر مشخص کردن رتبه و امتیاز تعلق‌گرفته، گزارشی توصیفی نیز ارائه می‌گردد و استراتژی پیشنهادی در رابطه با آن شخص به بانک پیشنهاد می‌شود. در این گزارش تنها تمایل شخص به بازپرداخت امتیازبندی می‌شود و این بانک است که باید بر اساس سیاست‌های ریسک‌پذیری و ریسک‌گریزی خود نسبت به اعطای تسهیلات تصمیم‌گیری نماید. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری علاوه بر در نظر گرفتن امتیاز اعطایی به اشخاص، منطبق با ماده ۱۴ آیین‌نامه سنجش اعتبار می‌توانند به بررسی دقیق‌تر اهلیت اعتباری اشخاص بپردازند.

در گزارش‌های توصیفی شرکت‌های اعتبارسنجی در ایران، عواملی نظیر تعداد و نوع قراردادهای جاری، وثائق، نحوه بازپرداخت اقساط در گذشته، درخواست‌های ارائه‌شده و سوابق منفی وی در اعطای امتیاز اعتباری به شخص از اهمیت بسیاری برخوردار است. هر چقدر فعالیت‌های بانکی شخص بیشتر شود، گزارش‌های وی در صفحات بیشتری عرضه می‌گردد که با بیشتر شدن حجم صفحات، بانک برای اتخاذ تصمیم به منابع بیشتری دسترسی خواهد داشت.

۲. مبانی حقوقی و اقتصادی اعتبارسنجی شهروندان

اجرای اعتبارسنجی مدنی شهروندان مبتنی بر تعدادی مبانی حقوقی و تعدادی مبانی اقتصادی است که می‌توان مبانی اقتصادی را نیز در قالب حقوق اقتصادی مطرح نمود. به عبارت دیگر خاستگاه مبانی اقتصادی مزبور را باید در اندیشه‌ها و نظریات حقوق اقتصادی جستجو کرد. برخی از مبانی حقوقی و حقوق اقتصادی در ادامه مقاله در شش بند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. ارتقای عدالت استحقاقی و عدالت توزیعی

اعتبارسنجی شهروندان و توزیع امکانات، خدمات و تسهیلات بر مبنای شایستگی، استحقاق، لیاقت و اهلیت اجتماعی شهروندان، اقدامی است که منجر به ارتقای شاخص عدالت توزیعی می‌گردد. در متون

دینی به عدالت توزیعی و توزیع عادلانه ثروت، منابع تولید، امکانات، خدمات و تسهیلات توجه ویژه شده است تا از این طریق از شکل‌گیری قطب‌های قدرتمند اقتصادی و انحصاری جلوگیری کند. به این ترتیب حکومت اسلامی فقط یک ناظر بی‌طرف در نظامات اقتصادی نیست؛ بلکه اهرم قدرتمندی در جهت کنترل دقیق توزیع عادلانه ثروت است؛ هم‌چنان‌که زمینه فعالیت و ثروت‌اندوزی مشروع مردم را نیز فراهم می‌کند.

این برداشت از عدالت اجتماعی، هم در دانش فلسفه حقوق در مقام توزیع مادیات، امکانات و خدمات مطرح است، و هم در دانش فلسفه سیاسی در مقام توزیع مناصب مطمح نظر قرار می‌گیرد. تعریف برجسته‌ای که از عدالت در متون اسلامی به عنوان «العدالة إعطاء كل ذي حق حقه» مطرح شده با این برداشت کاملاً سازگار است که عدالت را به معنای اعطای حق به برخوردار از حق می‌داند. یعنی شایستگی استیفای حق مهم‌ترین ملاک برای برخورداری از حق می‌باشد. این تعریف برگرفته از فرمایشی از امیر المؤمنین (علیه السلام) است که در پاسخ از پرسشی در مورد نسبت میان عدل و جود چنین می‌فرمایند: «وَسُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ الْعَدْلِ أَوِ الْجُودُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يَخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا؛ از امام علی (علیه السلام) پرسیدند از میان عدالت و جود کدام برتر است؟ فرمودند عدالت هر چیز را در جای خود می‌نهد، و جود هر چیز را به مصرف خود می‌رساند. عدالت تدبیرکننده‌ای است به سود همگان، و جود امری است خاص. پس عدالت شریف‌تر و بافضیلت‌تر است» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۹۵-۴۹۶).

بر مبنای قاعده‌ای که امیر المؤمنین (علیه السلام) از عدالت بیان داشتند و عدالت را به معنای «يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» دانستند، دانشوران مسلمان نیز عدالت را «إعطاء كل ذي حق حقه» به شمار آوردند؛ چنان‌که اندیشمندان مسلمان نفی ظلم را به معنای تساوی حقوق همگان نمی‌دانند؛ بلکه ظلم را در مقابل عدالت دانسته و عدالت را بر مبنای فهم متلقات، اعطای حقوق به دارندگان حق و به میزانی که حقشان است دانسته‌اند (بهبهانی، ۱۴۲۶ق: ۲۴). بدین ترتیب حق مفهوم پیشینی نسبت به عدالت محسوب می‌شود و تقدم رتبی بر آن دارد؛ چراکه ابتدا باید استحقاق اشخاص و میزان استحقاق آنها مشخص گردد و سپس متناسب با میزان استحقاقشان، به آنها حقوق، مزایا و خدمات اعطا گردد. از همین رو فقیهان لزوم وجود عدالت را فرع ثبوت حق دانسته‌اند (خوانساری، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ص ۴۲۷).

اندیشمندان مسلمان مهم‌ترین وظیفه حکومت اسلامی را اقامه عدالت کامل و عدالت را نیز در معنای اعطای خدمات، امکانات، تسهیلات و حقوق به دارندگان حق و متناسب با میزان استحقاقشان دانسته‌اند. اجرای این‌گونه از عدالت است که سبب از بین رفتن تبعیض می‌گردد (حسینی تهرانی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۲۳). فقیهان همین معنا از عدالت را معنای عدل در قرآن دانسته‌اند و اینکه قرآن هدف از بعث رسل و

ارسال انبیا را اقامه عدل دانسته، همین معنا از عدالت منظور است (همان: ج ۳، ص ۲۳۶).

بدین ترتیب مراد از عدالت در ادبیات دینی، تساوی شهروندان در بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات نیست، بلکه مراد آن است که حقوق، تسهیلات و خدمات بر مبنای استحقاق‌ها، قابلیت‌ها، اهلیت‌ها، استعدادها، اختصاصات اکتسابی یا ذاتی اشخاص توزیع شود (منتظری، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۱۸۹). این تعریف هم از ادله دینی و گزاره‌های فقهی و هم از اندیشه‌های ارسطویی برآمده است. ارسطو عدالت را اعطای حق به ذی‌حق می‌داند و فارابی نیز با اخذ همین اندیشه، یکی از شقوق مهم عدالت را توزیع امتیازات و امکاناتی نظیر تندرستی، ثروت، جایگاه‌ها و مراتب اجتماعی بین مردم بر حسب شایستگی‌های ایشان می‌داند. لذا ظلم را این‌گونه تفسیر می‌کند که فردی بیشتر از آنچه استحقاق داشته، دریافت کند که در این حالت ظلم به جامعه محسوب می‌شود. در مقابل، اگر فردی کمتر از آنچه استحقاق دارد دریافت کند ظلم به او و چه‌بسا ظلم به جامعه به شمار می‌آید (اکبری، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۰). از این‌رو اندیشمندان مسلمان نیز به استحقاق به عنوان پارامتر اصلی در تعریف عدالت نگریسته‌اند (منتظری، ۱۴۱۷ق: ۲۵۵؛ همو، ۱۴۲۹ق: ۱۲۰). استاد مطهری در بیان تعاریف مطروحه در باب عدالت به این تعریف به شیوه‌ای برجسته اشاره می‌کند و درباره آن چنین می‌نویسد: «رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را؛ و ظلم عبارت است از پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری... همین معنی است» (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۸۰).

این نگرش به عدالت در ساحت‌های حقوقی نیز تأثیر جدی نهاده و گونه‌ای از عدالت با عنوان عدالت استحقاقی را در اندیشه فیلسوفان حقوق پدیدار کرده است. محور و مبنا و نقطه کانونی تحقق اندیشه عدالت استحقاقی در فلسفه حقوق حول محور «متناسب‌سازی تخصیص امکانات بر مبنای شایستگی» است.

۲-۲. پیشگیری از وقوع جرم

با اجرای اعتبارسنجی، شهروندان جامعه نسبت به سلب، تحدید یا تقلیل برخی حقوق اجتماعی خویش در نتیجه ارتکاب تخلف، جرم، بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی و عدم رعایت نظامات قانونی، اخلاقی و عرفی آگاه می‌شوند و همین مسئله می‌تواند انگیزه‌ها و زمینه‌های ارتکاب جرم را تا حدی از بین ببرد و پیشگیری از برخی جرایم را تحقق بخشد.

قانون پیشگیری از وقوع جرم، مصوب ۱۳۹۴، در ماده ۳، تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست‌های کلی نظام، بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آنها، بررسی و اتخاذ تصمیم جهت شناسایی زمینه‌ها و علل وقوع

جرم، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارزیابی نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسئول در این زمینه، تقسیم کار ملی در چهارچوب وظایف و مأموریت‌های قوای سه‌گانه کشور و اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسئول در امر پیشگیری را از مهم‌ترین وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم دانسته است. روشن است که تدوین و پایه‌گذاری اعتبارسنجی که عامل مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم محسوب می‌شود یکی از راهبردها، برنامه‌های ملی و سیاست‌های اجرایی است که پس از شناخت زمینه‌ها، مقدمات و علل وقوع برخی جرایم با اتخاذ سیاست توزیع مبتنی بر استحقاق میزان وقوع این جرایم را به نحو قابل توجهی تقلیل می‌دهد.

۳-۲. تغییر گفتمان الزام حکومتی به التزام شخصی

با اجرای اعتبارسنجی، تمامی رفتارهای اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی شهروندان جامعه زیر ذره‌بین نهادهای عمومی قرار می‌گیرد و شهروندان می‌دانند که هر رفتار مثبت یا منفی آنها در حقوق، تسهیلات، خدمات و امکانات اعطایی یا سلبی به ایشان مؤثر است. در نتیجه هر شخص نسبت به رفتارهای خویش مراقبت و احتیاط می‌نماید و از این طریق خودکنترلی در جامعه نهادینه می‌شود. برای مثال اگر هر شخصی بداند که رفتارهای خلاف شئون اخلاقی و عرفی او می‌تواند در استخدام او در نهادهای عمومی و مؤسسات و شرکت‌های خصوصی مؤثر باشد، در رفتارهای اجتماعی خویش مراقبت و احتیاط بیشتری خواهد نمود و در نهایت شهروندان به سمت خودکنترلی سوق می‌یابند.

در نظام حقوقی دو گفتمان در اجرای مقررات قانونی توسط شهروندان وجود دارد. گفتمان نخست، گفتمان الزام است که محوریت آن متمرکز بر تعیین ضمانت اجرای قانونی توسط نهادهای حکومتی و اجرای سخت‌گیرانه این ضمانت‌اجراهاست. در واقع شهروندان با اعمال ضمانت اجرای کیفری، مدنی و انتظامی توسط قوای حکومتی، ملزم و مجبور به اجرای قانون می‌شوند. در این روش شهروندان با اقناع وجدانی و پذیرش منطقی تن به قانون نمی‌دهند، بلکه زور و اجبار، آنان را به سمت پیروی از قانون سوق می‌دهد. در این سیستم حکومت مرکزی باید منابع انسانی وسیعی به‌منظور ملزم کردن شهروندان بسیج نماید. به علاوه، هزینه‌های هنگفت که خرج ساخت زندان و پرداخت دستمزد مأموران پلیس و ضابطان دادگستری و دادرسان دادگاه‌ها و دادرها می‌شود نتیجه اعمال چنین سیستمی است. در نهایت نیز شهروندان، حکومت مرکزی را حکومتی قاهر شناسایی می‌کنند و خود را محبوس و محصور قوانین الزام‌آور این حکومت تلقی می‌کنند که باعث عدم رشد و ارتقای انگیزه‌ها، استعدادها و قابلیت‌ها می‌گردد.

دومین گفتمان حقوقی برای پیروی شهروندان از قانون، گفتمان التزام است. در این گفتمان، دستگاه‌های حکومتی سعی می‌کنند تا شهروندان را با اقناع وجدانی و پذیرش منطقی و اخلاقی به سمت

پیروی رضایت‌مندانه از قانون سوق دهند. در نتیجه اتلاف هزینه‌های هنگفت برای ساخت زندان‌ها و استخدام تعداد زیادی از نیروهای پلیس و ضابطان دادگستری و دادرسان صورت نمی‌گیرد. همچنین شهروندان حکومت مرکزی را حکومتی مردمی تلقی می‌کنند و از حضور در چنین حاکمیتی احساس خشنودی می‌کنند و در نتیجه انگیزه لازم برای به کار انداختن استعدادها و قابلیت‌ها به وجود می‌آید که زمینه‌ای برای پیشرفت شخصی شهروندان و پیشرفت ملی در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، علمی و اقتصادی است.

از همین‌رو پیشبرد نظام حقوقی به سمت جایگزین کردن گفتمان التزام به جای گفتمان الزام، نقش مؤثری در باورپذیر کردن نهادها، قواعد و احکام حقوقی و در نهایت، رضایت عمومی از نظام حقوقی و قضایی کشور ایفا می‌کند. اجرای اعتبارسنجی وصول به همین گفتمان را هدف‌گذاری کرده است. به این صورت که شهروندان با در نظر گرفتن این نکته که حقوق، تسهیلات، خدمات و امکانات متناسب با رفتار پیشینی آنها توزیع می‌گردد، با اقناع وجدانی و رضایت و خشنودی به سمت پیروی از قانون سوق می‌یابند و خود را به این صورت ملتزم به قانون می‌دانند.

۴-۲. ارتقای شفافیت اقتصادی

با اجرای اعتبارسنجی شفافیت کامل در زمینه اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول، دیون و مطالبات، تضمینات و وثائق اشخاص جامعه به وجود خواهد آمد و نقل و انتقالات مالی و پولی نیز رصد خواهد شد. بدین ترتیب تا حد زیادی مانع انتقالات باطل و فاسد، صوری، متقلبانه و مزورانه، پولشویی، اختلاس و کلاهبرداری و تقلب می‌گردد و زمینه تجاوز به اموال دیگران یا تجاوز به اموال و منافع عمومی را کاهش می‌دهد. به همین دلیل تحقق و ارتقای شفافیت از الزامات ضروری برای تقلیل جرایم اقتصادی محسوب می‌شود. از همین‌رو دولت جمهوری اسلامی ایران نیز بر مبنای برخی مواد قانونی و الحاق به برخی معاهدات بین‌المللی ملزم به تحقق و ارتقای شفافیت شده است.

بر مبنای بند ۴ ماده ۷ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، مصوب ۱۳۸۷، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است تا نظام‌هایی که شفافیت را ارتقا می‌دهد و از تنازع منافع جلوگیری می‌نماید، اتخاذ و حفظ کرده و تحکیم بخشد. همچنین سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز، مصوب ۱۳۸۲، ارتقای بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور با تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت و بهره‌مندی از فناوری‌های نوین را یکی از سیاست‌های کلی نظام تلقی کرده است. از این‌رو ایجاد نظامی به منظور ارتقا و تحکیم شفافیت در عرصه‌های مالی و اقتصادی از جمله کارویژه‌های اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و ایجاد نظام اعتبارسنجی یکی از طرح‌های موفق به منظور وصول به این هدف تلقی می‌شود. به همین

جهت، شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی یکی از اهدافی است که بند پ ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه با تصریح به این هدف، قوه قضاییه را مکلف گرداند تا زمینه اعتبارسنجی اشخاص را با ایجاد سامانه سجل محکومیت‌های مالی تمهید نماید.

۵-۲. ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری

با اجرای اعتبارسنجی، سرمایه‌گذاران، تاجران و تولیدکنندگان و در کل، فعالان عرصه اقتصاد حاشیه امن بیشتری می‌یابند و ریسک سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و امنیت سرمایه‌گذاری شاخص فراتری می‌یابد؛ چراکه فعالان اقتصادی با مشخص شدن امتیاز مالی و اعتباری طرف معامله خود، تمایل بیشتری به انعقاد معامله با دارندگان امتیاز بالا پیدا می‌کنند. بدین ترتیب سرمایه خود را در جریان تبادل و بازار به گردش درآورده و باعث رونق تولید و افزایش سرانه اشتغال می‌شوند. در کل می‌توان چنین گفت که سرمایه‌گذاران و ناشران اوراق بهادار بر مبنای دو هدف به گزارش‌های اعتباری و امتیاز اعتباری اهمیت می‌دهند: نخست آنکه این گزارش‌ها و امتیازات شاخصی را فراهم می‌نماید که بر اساس آن قیمت‌گذاری ریسک اعتباری و مقایسه زوجی ریسک اعتباری تسهیل می‌گردد. دوم آنکه این گزارش و امتیاز یک اظهار نظر مستقل، عینی و مبتنی بر نگاه به آینده در خصوص اهلیت اعتباری^۱ ارائه می‌نمایند.

در مقابل، در سیستمی که اعتبار طرف معامله روشن نباشد، فعالان اقتصادی اطمینان خاطر به طرف معامله نداشته و امنیت سرمایه‌گذاری کمتری احساس می‌کنند و بدین ترتیب تمایل کمتری برای به جریان انداختن سرمایه خود دارند. به همین منظور ماده ۱۱ دستور العمل پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی قوه قضاییه مصوب ۹۶، پس از آنکه مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه را موظف کرده است تا با ایجاد سامانه‌ای جامع به تجمیع اطلاعات حقوقی شرکت‌ها، مؤسسات و فعالان اقتصادی اقدام نموده و این اطلاعات را در دسترس دستگاه‌های ذی‌ربط و دادگستری‌های سراسر کشور قرار دهد، هدف از ایجاد این سامانه را امنیت سرمایه‌گذاری و رفع موانع حقوقی و قضایی تولید و اشتغال و مبارزه با مفاسد اقتصادی معرفی می‌نماید.

۶-۲. افزایش تولید کالا و ارائه خدمات و بهینه‌سازی آن

از مبانای دیگر اقتصادی که برای طرح اعتبارسنجی مطرح می‌شود آن است که تولید کالاها و ارائه خدمات در راستای ذوق و سلیقه مصرف‌کنندگان تولید و ارائه می‌گردد. ثبت، تجمیع و یکپارچه‌سازی اطلاعات شهروندان باعث می‌شود که تولیدکنندگان کالاها و ارائه دهندگان خدمات با مشاهده و ملاحظه اطلاعات شهروندان به سلیقه‌های آنان در خرید و مصرف کالا و خدمات پی می‌برند و منطبق با سلیق

۱. Credit worthiness.

آنان به تولید کالاها و ارائه خدمات به صورت بهینه سازی شده می پردازند و بدین ترتیب نرخ تولید افزایش می یابد و به رونق فضای کسب و کار کمک می کند.

برای مثال اتاق بازرگانی بین المللی از شهروندان تقاضا می کند که به منظور توسعه تجارت، اطلاعات شخصی خود را در اختیار آنان قرار دهند. اتاق هدف از این تجمیع و یکپارچه سازی اطلاعات را رشد اقتصادی می داند؛ زیرا بدین وسیله اتاق پی به مذاق مصرف کنندگان می برند و می توانند کالاها یا خدماتی ارائه دهند که متناسب با مذاق مصرف کنندگان باشد و تولید این دسته از کالاها و ارائه این دسته از خدمات را افزایش دهند. به عبارت دیگر، با اجرای نظام اعتبارسنجی، تولید و خدمات در راستای نیازهای واقعی مصرف کنندگان بهینه سازی می شود. مثلاً در یک مورد با اخذ اطلاعات راجع به مشتریان وام های بانکها و مؤسسات اعتباری، در نهایت اعتبارات بیشتر با بهره کمتر به مشتریان ارائه داده شد که باعث شد در یک سال ۱۳۰ میلیارد دلار به نفع مشتریان بانکها صرفه جویی شود (شهریاری، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۳. جهت گیری نظام قانونی ایران به سمت پذیرش اعتبارسنجی

گرچه در شرایط فعلی در نظام قانونی ایران، اجرای کامل اعتبارسنجی شهروندان در همه حوزه های مالی و غیرمالی مطمح نظر قانون گذار قرار نگرفته است، لکن با توجه به مواد قانونی موجود می توان از دو نظر اهتمام و توجه به این طرح از منظر قانون گذار را به دست آورد. نخست، پذیرش این طرح و مبانی توجیهی و ضرورت وجود آن در مقاصد، اغراض و اهداف نظام قانون گذاری و دوم، پذیرش مدعای این طرح در برخی موضوعات و مصادیق خاص. با امعان نظر به مقاصد و مصادیق قانونی می توان اندیشه و تفکر اعطای خدمات، تسهیلات و امکانات متناسب با شایستگی و اهلیت اعتباری اشخاص را در ارتکازات مستقر قانون گذار مشاهده کرد. در ادامه مقاله، ضمن دو بند، ابتدا مقاصد و اغراض نظام قانون گذاری در جهت گیری و سوقیابی به اندیشه متناسب سازی اعطای امکانات با امتیاز مدنی اشخاص مطرح می شود و سپس پذیرش این اندیشه در برخی مصادیق و موضوعات خاص مطمح نظر قرار می گیرد.

۳-۱. جهت گیری مقاصدی نظام قانونی به سمت پذیرش اعتبارسنجی

با امعان نظر به عبارات متعدد قانونی، جهت گیری مقاصد و اغراض نظام قانونی به سمت تأیید اعتبارسنجی شهروندان و متناسب سازی اعطای خدمات مشاهده می گردد؛ چنان که عبارت «اعتبارسنجی» در بند پ ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه به کار رفته و قوه قضاییه مکلف شده است زمینه های ارائه تسهیلات یا سلب برخی حقوق را بر مبنای اعتبارسنجی صورت گرفته مهیا نماید.

همچنین از دیگر مواردی که نشان دهنده وجود جهت گیری مقاصدی قانون گذار در راستای تأیید تفکر اعتبارسنجی و متناسب سازی اعطای امکانات و کیفیت و کمیت بهره مندی از حقوق اجتماعی با

اعتبار مدنی اشخاص بوده، صدور گواهی عدم سوء پیشینه توسط مراجع قضایی و پیش‌بینی برخی حقوق و امتیازات و خدمات اجتماعی بر مبنای آن است؛ چنان‌که صدور گواهی سوء پیشینه، شخص را متناسب با پیشینه و سابقه رفتاری وی از پاره‌ای حقوق اجتماعی محروم کرده و زمینه اعطای برخی خدمات و امکانات و تسهیلات به وی را سلب می‌نماید.

جهت‌گیری به سمت اندیشه مذکور با تصویب آیین‌نامه سنجش اعتبار مصوب ۱۳۹۸ به مرحله اتقان و استحکام خود نزدیک شد؛ به‌گونه‌ای که در این آیین‌نامه اعتبارسنجی اشخاص حقیقی و حقوقی متناسب با اهلیت اعتباری آنان به‌طور صریح موضوع قانون قرار گرفته و مؤسسات اعتباری بانکی و غیربانکی متناسب با اهلیت اعتباری به ارائه تسهیلات می‌پردازند.

۲-۳. جهت‌گیری عملی نظام قانونی به سمت پذیرش اعتبارسنجی

قانون‌گذار در موضوعات و مصادیق متعدد اندیشه متناسب‌سازی اعطای امکانات، تسهیلات و خدمات با اعتبار شهروندان را مطرح کرده است. مهم آن است که از این موضوعات و مصادیق جزئی بتوان الغای خصوصیت نمود و مناط و ملاک فرایند متناسب‌سازی در موضوعات جزئی را استخراج کرد و با تنقیح این مناط، بتوان به ضابطه و قاعده اصیل رهنمون شد. بدین ترتیب با تنقیح ضابطه‌مند ملاک اعتبارسنجی و متناسب‌سازی اعطای امکانات، می‌توان نظام یکپارچه اعطای امتیاز مدنی به اشخاص و اعطای امکانات و خدمات متناسب با امتیاز را بنیان‌گذاری نمود. برخی از مصادیق و موضوعات خاص که گویای اجرای جزئی اعتبارسنجی در نظام قانونی ایران است با رویکرد سلبی به متناسب‌سازی اعطای حقوق و خدمات با اعتبار مدنی شهروندان اقدام می‌کند و برخی مصادیق و موضوعات قانونی خاص با رویکرد ایجابی به متناسب‌سازی روی آورده است. رویکرد سلبی به سلب برخی حقوق اجتماعی از مرتکبان رفتارهای غیرقانونی یا عدم ارائه پاره‌ای تسهیلات، خدمات و امکانات به اشخاصی که نسبت به یکی از بایسته‌ها و الزامات قانونی تخلف می‌کنند اشاره دارد. در مقابل، رویکرد ایجابی به اعطای برخی خدمات، امکانات و تسهیلات به اشخاص متناسب با شایستگی و اهلیت و اعتبار او نظر دارد. در ادامه مقاله، ابتدا مصادیق و موضوعات خاصی که اندیشه متناسب‌سازی با رویکرد سلبی در آنها عملیاتی شده است محور مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و سپس مصادیق و موضوعات خاص و جزئی که اندیشه متناسب‌سازی با رویکرد ایجابی در آنها عملیاتی شده مورد پردازش قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳. پذیرش قانونی اعتبارسنجی و متناسب‌سازی با رویکرد سلبی

رویکرد سلبی در طرح اعتبارسنجی و متناسب‌سازی امکانات با اعتبار اشخاص ناظر به مواردی است که پاره‌ای از حقوق اجتماعی از اشخاص سلب می‌گردد یا خدمات، امکانات و تسهیلات به اشخاص ارائه نمی‌گردد. این رویکرد، خود به دو قسم تقسیم می‌شود. در قسم نخست، برخی حقوق اجتماعی از اشخاص

سلب می‌شود و در قسم دوم حقوق اشخاص از آنان سلب نمی‌شود، اما اشخاص از پاره‌ای خدمات، امکانات و تسهیلات که به دیگران اعطا می‌شود، محروم می‌گردد. بر این اساس رویکرد سلبی در اجرای طرح اعتبارسنجی و متناسب‌سازی حقوق با دو روش قابل اجرایی شدن است: روش نخست، رویکرد سلبی به شیوه محرومیت از حقوق اجتماعی و روش دوم، رویکرد سلبی به شیوه عدم ارائه خدمات، تسهیلات و امکانات. در ادامه مقاله مصادیق و موضوعات این دو قسم از رویکرد سلبی در اجرای طرح اعتبارسنجی مورد بررسی و امعان نظر قرار می‌گیرد.

۳-۱-۲-۱. رویکرد سلبی به شیوه محرومیت از حقوق اجتماعی

مصادق روشن و بارز رویکرد سلبی به شیوه محرومیت از حقوق اجتماعی را می‌توان در مجازات تکمیلی و مجازات تبعی مشاهده نمود که در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۲-۲. سلب حقوق اجتماعی در مجازات تکمیلی متناسب با جرم ارتكابی

نمونه بارز تفکر متناسب‌سازی تخصیص امکانات و خدمات با امتیاز اعتباری اشخاص در تقنین مجازات‌های تکمیلی و تبعی در قوانین کیفری و سلب برخی حقوق و امتیازات اجتماعی به علت ارتكاب برخی جرایم و متناسب با شدت و ضعف رفتار ارتكابی می‌باشد. منطبق با ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی در صورتی که فرد مشمول مجازات قصاص، حد و تعزیر درجه شش تا یک گردد، از برخی حقوق اجتماعی با عنوان مجازات تکمیلی محروم می‌گردد که خود، گویای توزیع حقوق و امتیازات اجتماعی بر مبنای شایستگی‌های افراد است. برای مثال منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، انفعال از خدمات دولتی و عمومی، منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، منع از داشتن دسته‌چک و یا اصدار اسناد تجارت، منع از حمل سلاح، منع از خروج اتباع ایران از کشور، منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی، توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم در این ماده به عنوان مجازات‌های تکمیلی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

روشن است که برخی حقوق اجتماعی از اشخاص به علت عدم شایستگی در قالب مجازات تکمیلی سلب می‌گردد و این همان اعتبارسنجی شهروندان است که در موضوع خاص و جزئی در حال اجراست.

۳-۱-۲-۳. سلب حقوق اجتماعی در مجازات تبعی متناسب با جرم ارتكابی

مورد دیگری که گویای پذیرش اندیشه اعتبارسنجی و تخصیص امکانات متناسب با اعتبار مدنی اشخاص است در مجازات تبعی نشان داده شده است. در این حالت نیز برخی حقوق اجتماعی به علت رفتار ارتكابی شخص از او سلب می‌گردد. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، مرتکب جرایم عمدی که حکم قطعی کیفری وی صادر شده را پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت مشخصی محکوم به

محرومیت از برخی حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی می‌نماید؛ زیرا مرتکب این جرایم از حیث اعتبار مدنی شایستگی لازم برای بهره‌مندی از این حقوق را ندارد. منطبق با ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی، حقوق سلب‌شده مزبور عبارتند از: داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس‌جمهور، تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری، انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم، عضویت در هیئت‌های منصفه و امانا و شوراهای حل اختلاف، اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی، استخدام یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آن‌ها، اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری، انتخاب شدن به سمت قیّم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام، انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی، استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری، تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.

با تقنین مجازات‌های تکمیلی و تبعی می‌توان ارتکاز مستقری را در ذهن قانون‌گذار مبنی بر متناسب‌سازی تخصیص امکانات و حقوق اجتماعی با شایستگی، اهلیت و لیاقت اشخاص مشاهده کرد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان فلسفه تقنین این دسته از مجازات‌ها را اندیشه متناسب‌سازی تلقی کرد.

۲-۳-۲. رویکرد سلبی به شیوه عدم ارائه خدمات، امکانات و تسهیلات

رویکرد سلبی به دو شیوه امکان‌اجرای شدن دارد. در شیوه نخست که برخی حقوق اجتماعی از اشخاص سلب می‌گردد مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه مقاله مصادیق و موضوعاتی که اعطای خدمات، تسهیلات و امکانات از شخص برداشته می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳-۱. عدم ارائه تسهیلات در صورت داشتن بدهی مالیاتی

یکی از مواردی می‌توان پیشینه ذهنی قانون‌گذار ایران در اجرای جزئی اعتبارسنجی شهروندان را در آن ملاحظه کرد، سلب برخی حقوق و تسهیلات و خدمات متناسب با بدهی مالیاتی اشخاص است. یکی از مؤلفه‌ها در اعتبارسنجی اشخاص و اعطای امتیاز به ایشان، وضعیت بدهی مالیاتی آنان است. از منظر موضوع این مقاله، آن‌چه از اهمیت وافر برخوردار است آن است که بر حسب امتیازی که بر مبنای این

مؤلفه به اشخاص داده می‌شود اعطای خدمات و تسهیلات و امکانات به اشخاص مدیریت شود و این اعطا متناسب با امتیاز اعتباری وی مورد ملاحظه قرار گیرد. از این‌رو دستگاه‌های اعطاکننده تسهیلات و خدمات مالی و اقتصادی باید بتوانند به وضعیت بدهی مالیاتی اشخاص دسترسی داشته باشند تا اعطای تسهیلات به مؤدیان را بر مبنای امتیاز اعتباری آنان مدیریت نمایند. این مهم در ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم با طراحی سامانه‌ای که اطلاعات راجع به وضعیت بدهی مالیاتی مودیان در آن ثبت می‌شود و به دستگاه‌های اعطاکننده تسهیلات ارائه می‌گردد پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب سازمان امور مالیاتی کشور موظف شده است امکان دسترسی برخط (آن‌لاین) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بیمه مرکزی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس اوراق بهادار، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و همچنین سایر دستگاه‌های اجرایی را به فهرست بدهکاران مالیاتی فراهم آورد تا استفاده‌کنندگان مذکور بتوانند اطلاعات دریافتی را در آرایه خدمات به اشخاص بدهکار مالیاتی لحاظ کنند.

۳-۲-۱-۲-۳. عدم ارائه تسهیلات در صورت ارتکاب تخلفات رانندگی

مورد دیگری که در نظام قانونی ایران می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از اجرای اعتبارسنجی تلقی گردد و خدمات‌رسانی به اشخاص را متناسب با امتیاز اعطا شده به آن‌ها مدیریت نماید در مورد تأثیر تخلفات رانندگی بر ارائه تسهیلات می‌باشد؛ چنان‌که در ماده ۲۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۸۹، راهنمایی و رانندگی موظف شده است تمهیدات لازم برای امکان استفاده وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سازمان‌هایی نظیر سازمان راه‌داری و حمل و نقل جاده‌ای و شرکت‌های بیمه از پایگاه رایانه‌ای که اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه موتوری اعم از شماره پلاک، نوع خودرو، نام و مشخصات مالکان و دارندگان انواع گواهینامه رانندگی، نقل و انتقال و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگی و ارزیابی تأثیر تخلفات رانندگان در ایمنی عبور و مرور را ثبت می‌کند فراهم نماید.

از آن‌جا که اطلاعات مربوط به سوابق مربوط به تخلفات و تصادفات رانندگی به ویژه برای شرکت‌های بیمه از اهمیت زیادی برخوردار است تا با استفاده از این اطلاعات، نرخ بیمه و تخفیفات بیمه‌ای را مدیریت نمایند، در مواد متعدد قانونی به مسئله ایجاد سامانه‌ای به‌منظور جمع‌آوری و یکپارچه‌سازی این اطلاعات و ارائه آن به شرکت‌های بیمه تأکید شده است؛ چنان‌که ماده ۲۴ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث نیروی انتظامی را موظف می‌سازد تا ترتیبی اتخاذ نماید که امکان دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی آن نیرو در ارتباط با مواردی از قبیل مشخصات وسایل نقلیه موتوری زمینی، گواهینامه‌های صادر شده و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگان، از طریق سیستم رایانه‌ای برای بیمه مرکزی ایران و شرکت‌های بیمه‌گر فراهم گردد.

۳-۲-۱-۲-۳. عدم ارائه تسهیلات به علت صدور چک برگشتی

مورد دیگری که گویای وجود اندیشه‌ای در ذهن قانون‌گذار مبنی بر اجرای جزیی اعتبارسنجی می‌باشد در مورد مدیریت خدمات‌رسانی به صادرکنندگان چک‌های برگشتی می‌باشد. منطبق با ماده ۴ قانون اصلاح قانون صدور چک (مصوب ۱۳۹۷) هرگاه وجه چک پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنا بر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید که وجود این سامانه یکی از ملزومات اجرای طرح اعتبار مدنی می‌باشد. منطبق با ماده ۵ مکرر این قانون، بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، سامانه مذکور مراتب را به صورت برخط به تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد. همچنین بانک مرکزی باید امکان استعلام آخرین وضعیت صادرکننده چک شامل سقف اعتبار مجاز، سابقه چک برگشتی در سه سال اخیر و میزان تعهدات چک‌های تسویه‌نشده را صرفاً برای کسانی که قصد دریافت چک را دارند، فراهم نماید.

افزون بر این، مطابق با تبصره ماده ۶ آیین‌نامه سجل قضایی، بانک مرکزی مکلف است با تجمیع اطلاعات گواهینامه‌های عدم پرداخت چک در سامانه یکپارچه خود، امکان استعلام آنها را برای مراجع قضائی و ثبتی از طریق شبکه ملی عدالت ایجاد نماید. همچنین مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه مکلف شده است تا امکان دسترسی برخط بانک مرکزی به آرای قطعی صادرشده در مورد چک‌های برگشتی و دعاوی مطروحه به همراه گواهینامه عدم پرداخت مربوط را از طریق سامانه سجل محکومیت‌های مالی فراهم نماید.

آن چه گویای اجرای اندیشه اعتبارسنجی و متناسب‌سازی تخصیص امکانات و ارائه خدمات با اعتبار اشخاص است این است که صاحب حسابی که چک برگشتی صادر کرده است به علت عدم پرداخت، برخی تسهیلات و حقوق اجتماعی را از دست می‌دهد. برای مثال منطبق با ماده ۵ مکرر قانون اصلاح قانون صدور چک (مصوب ۱۳۹۷) کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، این اقدامات را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند: عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید، مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی، عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی یا ریالی، عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی. همچنین در صورتی که شخصی بیش از یک بار چک بی‌محل صادر نماید، منطبق با ماده ۲۱ قانون صدور چک (اصلاحی ۱۳۷۲) کلیه حساب‌های جاری او بسته و تا سه سال حساب جاری دیگری به نام او گشوده نخواهد شد.

۳-۲-۱-۲-۴. عدم ارائه تسهیلات در صورت وقوع ورشکستگی و اعسار

از دیگر مواردی که گویای اندیشه اجرای اعتبارسنجی در سطح جزیی می‌باشد در مورد ورشکستگی و اعسار و سلب برخی از حقوق و تسهیلات در صورت وقوع این دو رویداد می‌باشد. منطبق با ماده ۲۱

مکرر قانون اصلاح قانون صدور چک (مصوب ۱۳۹۷)، بانک مرکزی مکلف شده است در مورد اشخاص ورشکسته و معسر از پرداخت محکوم به از دریافت دسته چک و صدور چک جدید در سامانه صیاد و استفاده از چک موردی جلوگیری کند.

۳-۲-۱-۵. عدم ارائه تسهیلات در صورت محکومیت های مالی

از موارد دیگری که در نظام قانونی ایران به عنوان یکی از موارد اجرای جزیی اعتبارسنجی مطرح است، تأثیر محکومیت های مالی در ارائه تسهیلات از سوی مؤسسات مالی و اعتباری، بانک ها، دفاتر اسناد رسمی و دستگاه های اجرایی می باشد. همین تأثیرگذاری باعث شده تا بند پ ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه قوه قضاییه را مکلف گرداند در راستای شفاف سازی فعالیت های اقتصادی و ایجاد زمینه اعتبارسنجی، سامانه سجل محکومیت های مالی را ایجاد نماید تا امکان استعمال برخط کلیه محکومیت های مالی اشخاص محکوم علیهم از این سامانه برای نهادهای مذکور فراهم آید.

۳-۲-۲. پذیرش قانونی اعتبارسنجی و متناسب سازی با رویکرد اجابایی

اعتبارسنجی و متناسب سازی با دو رویکرد مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. رویکرد نخست به سلب پاره ای حقوق اجتماعی یا عدم ارائه برخی خدمات، امکانات و تسهیلات اشاره دارد و مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد دوم که نحو اجابایی به اجرای جزیی طرح نظر دارد در مصادیق و موضوعاتی به جریان می افتد که برخی تسهیلات، امکانات و خدمات به شخص متناسب با شایستگی و اعتبار او اعطا می گردد. این موارد را در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می دهیم.

۳-۲-۲-۱. ارائه تسهیلات مؤسسات بانکی و اعتباری بر مبنای اعتبار مالی شهروندان

از جمله مواردی که در نظام قانونی به روشنی بر اجرای جزیی اعتبارسنجی دلالت دارد، اعطای تسهیلات یا پذیرش تعهدات از سوی بانک ها و مؤسسات اعتباری بر مبنای اعتبارسنجی مشتریان می باشد. منطبق با بند ب ماده ۱۸ قانون برنامه ششم توسعه، بانک مرکزی موظف است با ایجاد سامانه ای متمرکز امکان دریافت الکترونیکی و برخط استعمال های مورد نیاز جهت اعطای تسهیلات یا پذیرش تعهدات از مراجع ذی ربط نظیر استعمال اعتبارسنجی، بدهی مالیاتی و نظایر آن را برای بانک ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی فراهم کند. منطبق با تبصره این ماده، تمامی مراجع ذی ربط که بانک ها و مؤسسات اعتباری در اعطای تسهیلات یا پذیرش تعهدات نیازمند استعمال از آن می باشند، موظفند امکان اخذ استعمال های مذکور را به صورت الکترونیکی و برخط فراهم نمایند. همچنین منطبق با ماده ۵ قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه های طرح و تسریع در اجرای طرح های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک ها (مصوب ۱۳۸۶) دولت مکلف شده است ترتیبی اتخاذ نماید که با ایجاد و به کارگیری نهادهای جدید مالی از قبیل بانک جامع اطلاعات، رتبه بندی و اعتبارسنجی مشتریان، گروه های مشاور

مالی و سرمایه‌گذاری غیردولتی، ساماندهی مطالبات معوق، مؤسسات تضمین اعتبار، زمینه تسهیل و تسریع اعطاء تسهیلات بانکی را فراهم نماید.

از جمله تسهیلات بانکی که متناسب با اعتبار مشتریان به آنها ارائه می‌گردد، اعطای دسته‌چک و تعیین تعداد و سقف آن است که منطبق با ماده ۶ قانون اصلاح قانون صدور چک (مصوب ۱۳۹۷) بانک‌ها مکلفند برای ارائه دسته‌چک به مشتریان خود صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه چک (صیاد) نزد بانک مرکزی اقدام نمایند. این سامانه پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام از سامانه نظام هویت‌سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع ماده (۵) «قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها مصوب ۱۳۸۶/۴/۵» یا رتبه‌بندی اعتباری از مؤسسات موضوع بند (۲۱) ماده (۱) «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱» اقدام نموده و متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی صدور دسته‌چک را محاسبه می‌نماید.

۳-۲-۲. اخذ وثیقه و تضمین بر مبنای امتیاز اعتباری

از مواردی که انگاره متناسب‌سازی ارائه خدمات بر مبنای اعتبار شهروندان را در نظام قانون‌گذاری ایران نشان می‌دهد در مورد اخذ وثائق و تضمینات است که منطبق با تبصره ماده ۱۴ آیین‌نامه سنجش اعتبار، مؤسسات اعتباری موظفند متناسب با نتایج حاصل از گزارش اعتباری اشخاص نسبت به اخذ وثایق و تضمین‌های لازم اقدام کنند.

۴. الزامات قانونی اجرای طرح اعتبار مدنی

اعتبارسنجی شهروندان مستلزم بسترسازی و تمهید برخی مقدمات است که به عنوان پیش‌نیاز اساسی برای اجرای این طرح محسوب می‌شود و جزء الزامات و ملزومات اجرای این طرح است. اساسی‌ترین الزامات اجرایی این طرح از منظر نظام قانونی عبارتند از ایجاد نظام برخط استعلام و ایجاد نظام برخط جمع و یکپارچه‌سازی، ثبت و ذخیره اطلاعات. این موارد در ادامه مقاله مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد.

۴-۱. نظام برخط استعلام

یکی از الزامات قانونی در اجرای اعتبارسنجی، ایجاد بستر الکترونیکی برای پاسخ به استعلامات دستگاه‌های دولتی و نهادهای اداری و قضایی به مطالبات یکدیگر می‌باشد. ضرورت این نظام از آن‌روست که مراکز اعتبارسنجی باید بتوانند به‌صورت برخط و لحظه‌به‌لحظه اطلاعات و داده‌ها را از سازمان‌ها و

نهادهای تأمین‌کننده اطلاعات استعمال کنند و دستگاه‌ها و سازمان‌های استفاده‌کننده که مأمور ارائه خدمات و تسهیلات هستند نیز باید بتوانند به‌صورت برخط و لحظه‌به‌لحظه گزارش اعتباری و امتیاز اعتباری اشخاص را از مراکز اعتبارسنجی استعمال نمایند. در صورتی که نظام استعمال و پاسخ به استعلامات، سریع و دقیق و ضابطه‌مند باشد و در بستر فضای الکترونیکی انجام گیرد، اجرای اعتبارسنجی تسهیل و تسریع می‌گردد. با ملاحظه برخی مواد قانونی می‌توان دریافت که بستر قانونی برای ایجاد نظام استعمال و پاسخ به استعلامات در نهادهای اجرایی و قضایی مهیا شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱. نظام برخط استعمال در نهادهای قضایی

در نهادهای قضایی، بستر قانونی برای ایجاد نظام برخط و یکپارچه استعمال با برخی مواد قانونی مهیا شده است. برای مثال منطبق با بند الف ماده ۱۱۷ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، قوه قضاییه مکلف شده است سامانه‌ای الکترونیک ایجاد نماید که امکان پاسخگویی فوری و برخط به استعلامات مورد نیاز مراجع قضائی ذی‌صلاح در خصوص اموال اشخاص محکوم‌علیه‌هم را فراهم نماید. این سامانه به‌طور متمرکز تحت نظارت مستقیم رئیس قوه قضاییه از طریق دسترسی برخط به کلیه بانک‌های اطلاعاتی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم‌علیه‌هم استقرار می‌یابد تا توقیف اموال مزبور به‌سرعت و سهولت انجام گیرد.

تمام مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند، مانند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، شهرداری‌ها، سازمان امور مالیاتی، نیروی انتظامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی و کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و سامانه شناسه (کد) رهگیری اتحادیه مشاوران املاک مکلفند کلیه اطلاعات خود در مورد اموال متعلق به اشخاص مذکور و کلیه تغییرات راجع به آنها و هر نوع نقل و انتقال بعدی آنها را به نحوی که این اطلاعات به‌صورت برخط (آنلاین) و آنی از طریق سامانه مذکور قابل دسترس باشد در اختیار قوه قضاییه قرار دهند.

همچنین بند ت این ماده، قوه قضاییه را مکلف می‌نماید تا با ایجاد درگاه الکترونیکی و اتصال آن به سامانه‌های الکترونیک دستگاه‌های اجرایی، کلیه استعلامات مورد نیاز مراجع قضایی به‌صورت الکترونیک از این دستگاه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای فوق قابل مطالبه باشد. در مقابل، دستگاه‌های اجرایی نیز مکلف شده‌اند در اجرای این دستورالعمل با قوه قضاییه همکاری لازم را داشته باشند و استعلامات مورد نیاز قوه را به‌صورت الکترونیک و در کمترین زمان ممکن از طریق سامانه پاسخ دهند.

مفاد همین مضمون در تبصره ۲ بند ت ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مطرح شده و کلیه دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و اشخاص حقوقی پس از استقرار شبکه ملی عدالت مکلف شده‌اند تا نسبت به ارسال پاسخ به استعلامات مراجع قضایی از طریق این شبکه اقدام کنند.

علاوه بر مقرر فوق، ماده ۶۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) نیز قوه قضاییه را موظف می‌سازد به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، شبکه ملی عدالت را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند. رهاورد ایجاد این سامانه آن است که مراجع قضایی می‌توانند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیت‌های حقوقی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. پاسخ به استعلام تا آنجا مهم تلقی شده که مستنکف از آن مشمول مجازات تعزیری قرار گرفته است.

مقرر دیگری که امکان استعلام اطلاعات قضایی را به عنوان یکی از الزامات اجرای طرح اعتبار مدنی فراهم می‌نماید در تبصره ۳ ماده ۱۰ آیین‌نامه سجل قضایی مطرح شده است که منطبق با این تبصره، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه موظف است امکان ارسال الکترونیکی استعلام اثر انگشت و دریافت نتیجه آن را به سازمان‌های مجاز فراهم کند.

۲-۱-۴. نظام برخط استعلام در نهادهای اجرایی

بستر قانونی برای ضابطه‌مند کردن نظام استعلام اطلاعات و پاسخ‌گویی به استعلامات در نهادهای اجرایی نیز فراهم شده است؛ چنان‌که براساس بند ث ماده ۶۷ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور موظف شده‌اند تا امکان تبادل الکترونیکی اطلاعات و پاسخ‌گویی الکترونیکی به استعلام‌های مورد نیاز سایر دستگاه‌های اجرایی را به‌صورت رایگان فراهم نمایند.

به‌طور کلی بند ث ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را مکلف می‌سازد به‌منظور تقویت زیرساخت‌های برنامه‌ریزی، ایجاد شفافیت و استقرار دولت الکترونیک و پیشگیری از جعل هویت اشخاص و تضمین صحت اسناد و قراردادهای رسمی و دستیابی قوای سه‌گانه به بانک‌های اطلاعاتی موجود کشور به استعلام‌های صورت گرفته در حوزه وظایف قانونی خود توسط هر یک از دستگاه‌های وابسته به قوای سه‌گانه به‌صورت رایگان پاسخ دهند.

۲-۴. نظام برخط تجمیع و یکپارچه‌سازی، ثبت و ذخیره اطلاعات

از دیگر الزامات اجرای اعتبارسنجی، ایجاد سامانه‌هایی به‌منظور دستیابی، دسترسی، تجمیع، یکپارچه‌سازی، ثبت و ذخیره اطلاعات مربوط به مؤلفه‌های اثرگذار بر اعتبار مدنی شهروندان و امتیازی است که به هر شخص داده می‌شود می‌باشد. در مورد برخی مؤلفه‌ها، این الزام در برخی مواد قانونی مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته و از این‌رو بستر قانونی برای اعتبارسنجی اشخاص و امتیازدهی به آنان فراهم شده است که در ادامه

مورد واکاوی و دقت نظر قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱. نظام تجميع سوابق كیفري و قضايی

مهم‌ترین مؤلفه در امتیازدهی به اشخاص، سابقه کیفری و قضایی آن‌ها می‌باشد. تجميع این اطلاعات و روزآمد کردن آن‌ها از دیگر وظایف قوه قضاییه محسوب می‌شود؛ چنان‌که ماده ۶۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری به‌منظور ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرایم، متهمان، بزه‌دیدگان، مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، مرکز آمار و فناوری قوه قضاییه را مکلف به راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قضایی نموده و در ماده بعد تمامی دستگاه‌های قوه نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، سازمان ثبت اسناد و املاک، پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری، مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی را مکلف به قراردادن کلیه اطلاعات خود در مرکز داده‌های قوه قضاییه و روز آمد نگهداشتن آن نموده است.

همچنین منطبق با تبصره ۱ بند ۳۸ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، نیروی انتظامی و ضابطان خاص قوه قضاییه و کلیه دستگاه‌ها و گروه‌های مرتبط با مراجع قضایی که در سایر مراجع فعالیت می‌کنند، مکلفند اطلاعات مورد نیاز مراجع قضایی در مسیر رسیدگی‌های قضایی را با رعایت طبقه‌بندی در اختیار مرکز قرار دهند. لذا با تشکیل این مرکز، بستر مناسبی برای تجميع و یکپارچه‌سازی اطلاعات قضایی اشخاص فراهم می‌شود که نقش برجسته‌ای در امتیاز اعتبار مدنی ایفا می‌نماید.

علاوه بر مرکز فوق، منطبق با ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی در هر معاونت اجرای احکام کیفری موظف شده است بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری را فراهم نماید. علاوه بر این، برگ سجل کیفری محکوم‌علیه در محکومیت‌های مؤثر کیفری را با ثبت و درج مشخصات دقیق و اثر انگشت و تصویر وی به‌صورت الکترونیکی و با راه‌اندازی شبکه الکترونیکی سجل کیفری تنظیم نماید. در محکومیت‌های کیفری که در اعتبارسنجی شخص و اعطای امتیاز به وی و تقلیل برخی حقوق اجتماعی مؤثر است، امکان دسترسی به اطلاعات مندرج در این شبکه منطبق با آیین‌نامه اجرایی این ماده، موسوم به آیین‌نامه سجل قضایی (مصوب ۱۳۹۲) وجود دارد. منطبق با ماده ۴ این آیین‌نامه، سامانه باید به‌گونه‌ای طراحی گردد که کلیه اطلاعات راجع به امور کیفری، امور حقوقی و امور اداری بتواند بدان منتقل و ثبت گردد.

اطلاعات و داده‌های کیفری که باید در سامانه ثبت، تجميع و یکپارچه‌سازی گردد اموری از این قبیل را شامل می‌شود: محکومیت‌های کیفری، قرار تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، احکام آزادی مشروط، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت سامانه‌های الکترونیکی و سایر آرائی که اجرای آنها به‌عهده اجرای

احکام است، پس از ثبت در اجرای احکام کیفری، احکام و قراردادهایی که نیاز به عملیات اجرایی ندارد، از جمله قراردادهای منع و موقوفی تعقیب، بایگانی کردن پرونده، ترک تعقیب و رأی برائت پس از قطعیت آن‌ها، اطلاعات مجرمان خطرناک و مجرمان حرفه‌ای، به تشخیص دادستان بر اساس پرونده شخصیت، اطلاعات متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری پس از صدور برگ جلب سیار، درخواست یا پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان و همچنین مراتب عفو یا تخفیف مجازات، پس از ثبت در پرونده، مراتب اعاده حیثیت محکومان مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی.

اطلاعات و داده‌های حقوقی که باید در سامانه ثبت، تجمیع و یکپارچه‌سازی شود اموری از این قبیل را شامل می‌شود: احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا رفع حجر، احکام ورشکستگی تاجر و احکام مربوط به قرارداد ارفاقی، نقض احکام مربوط به ورشکستگی، اعاده حیثیت ورشکسته.

اطلاعات و داده‌های اداری که باید در سامانه ثبت، تجمیع و یکپارچه‌سازی گردد اموری از این قبیل را شامل می‌شود: تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغای آن، سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند و کسانی که ایرانی‌الاصل هستند، محکومیت به انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و محرومیت از تصدی سمت‌های خاص و مدیریتی و محکومیت به اخراج از دستگاه متبوع صادر شده از هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی.

۲-۲-۴. نظام تجمیع وضعیت سلامتی و بیماری

از دیگر مؤلفه‌های اثرگذار بر اعتبارسنجی و تعیین امتیاز مدنی شهروندان، اطلاعات مربوط به وضعیت بیماری و سلامت جسمی و روانی اشخاص می‌باشد که الزام مربوط به استقرار سامانه تجمیع این اطلاعات نیز از حیث قانونی فراهم شده؛ چنان‌که به موجب ماده ۷۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، وزارت بهداشت با هدف ارائه خدمات الکترونیکی سلامت شهروندان مکلف به استقرار سامانه پرونده الکترونیکی سلامت ایرانیان و سامانه‌های اطلاعاتی مراکز سلامت با هماهنگی پایگاه ملی آمار ایران و سازمان ثبت احوال کشور شده است. کلیه مراکز سلامت و واحدهای ذی‌ربط اعم از دولتی و غیردولتی موظف به همکاری با وزارت بهداشت در استقرار این سامانه‌ها می‌باشند.

۳-۲-۴. نظام تجمیع اطلاعات حقوقی

از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اعتبارسنجی شهروندان و اعطای امتیاز مدنی به ایشان، اطلاعات حقوقی اشخاص می‌باشد. در این میان، اطلاعات حقوقی فعالان عرصه اقتصاد از اهمیت وافری برخوردار است. به همین منظور ماده ۱۱ دستور العمل پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی قوه قضاییه مصوب ۹۶، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه را موظف کرده با ایجاد سامانه‌ای جامع به تجمیع اطلاعات حقوقی شرکت‌ها، مؤسسات و فعالان اقتصادی اقدام نموده است و این اطلاعات را در دسترس

دستگاه‌های ذی‌ربط و دادگستری‌های سراسر کشور قرار دهد.

گرچه دستورالعمل فوق صرفاً اعتبارسنجی مالی اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بخش اقتصاد را مطمح نظر قرار داده است، لکن می‌توان اعتبارسنجی مالی را به اعتبارسنجی مدنی توسیع داد و آن را از اعتبارسنجی فعالان اقتصاد به اعتبارسنجی تمام اشخاص جامعه نیز گسترش داد.

۴-۲-۴. نظام تجمیع وضعیت مالی و معاملاتی

مؤلفه دیگری که در اعتبارسنجی و اعطای امتیاز مدنی به شهروندان تأثیر بسزایی دارد، وضعیت مالی و معاملاتی اشخاص است که در این زمینه مواد قانونی متعدد به ایجاد سامانه‌های جامع و یکپارچه‌ساز به‌منظور تجمیع اطلاعات مالی اشخاص و ارائه این اطلاعات به سازمان‌های اعطاکننده خدمات و تسهیلات دستور داده‌اند.

دارایی اشخاص به‌ویژه دارایی غیرمنقول، سپرده‌های موجود در بانک‌ها و سود آن‌ها، معاملات منعقدده به‌ویژه معاملات ارز و طلا و پیمانکاری و خدمات و حمل و نقل و سهام و اوراق بهادار، تجارت‌های داخلی و خارجی جزء اطلاعات پایه به‌منظور اعتبارسنجی و اعطای امتیاز به اشخاص محسوب می‌شود. الزام به ایجاد سامانه‌های دسترسی و دستیابی، تجمیع و یکپارچه‌سازی، ثبت و ذخیره این دسته از اطلاعات نیز به‌منزله تمهید ضروری برای اجرای طرح اعتبار مدنی به‌شمار می‌رود. در این زمینه بستر قانونی برای ایجاد چنین سامانه‌هایی مهیا شده است؛ چنان‌که ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم (الحاقی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و اصلاحی ۱۳۹۴/۴/۳۱) با هدف شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و استقرار نظام یکپارچه اطلاعات مالیاتی، الزام به ایجاد پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی در سازمان امور مالیاتی می‌کند. مواردی نظیر اطلاعات مالی، پولی و اعتباری، معاملاتی، سرمایه‌ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی در این سامانه ثبت و ذخیره می‌گردد.

در این مقرر قانونی، طیف وسیعی از اشخاص حقیقی و حقوقی و تقریباً هر کس یا هر نهادی که به نوعی با شخص در ارتباط است مسئول اطلاع‌دهی به سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است؛ چنان‌که وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی که اطلاعات مورد نیاز پایگاه فوق را در اختیار دارند یا به نحوی موجبات تحصیل درآمد و دارایی برای اشخاص را فراهم می‌آورند، کلیه اشخاص و مراجعی که به نحوی در جریان عملیات مربوط به مالکیت، نگهداری، انتقالات، خدمات بیمه‌ای و معاملات دارایی‌های مذکور می‌باشند موظفند اطلاعات مزبور را در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور قرار دهند.

از منظر قانون‌گذار وظیفه اشخاص حقوقی و حقیقی در اطلاع‌رسانی به سازمان امور مالیاتی از چنان اهمیتی برخوردار است که تخلف از این وظیفه با ضمانت اجرای مدنی و کیفری مواجه شده است؛ چنان‌که

متخلف از وظیفه اطلاع‌رسانی علاوه بر مسئولیت تضامنی که با مؤدی در پرداخت مالیات خواهد داشت، مشمول جریمه‌ای معادل یک‌دوم تا دو برابر مالیات پرداخت‌شده خواهد بود.

اطلاعاتی که باید از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با اشخاص به سازمان امور مالیاتی ارائه گردد مشتمل بر چهار دسته از اطلاعات می‌باشد:

الف) اطلاعات هویتی: ۱. اطلاعات هویتی و مکانی اشخاص حقیقی و حقوقی؛ ۲. مجوزهای فعالیت اقتصادی و همچنین مجوزهای مربوط به انجام معاملات تجاری و عقد قراردادهای.

ب) اطلاعات معاملاتی اشخاص: ۱. معاملات (خرید و فروش دارایی‌ها، کالاها و خدمات)؛ ۲. تجارت خارجی (واردات و صادرات کالاها و خدمات)؛ ۳. قراردادهای مربوط به انجام معاملات و فعالیت‌های تجاری؛ ۴. قراردادهای مربوط به انجام عملیات پیمانکاری و هرگونه خدمات؛ ۵. اطلاعات مربوط به خرید و فروش ارز و سکه طلا؛ ۶. اطلاعات انواع بیمه‌نامه‌های صادره و خسارت‌های پرداختی؛ ۷. بارنامه و صورت وضعیت حمل و نقل بار و مسافر.

ج) اطلاعات مالی، پولی، اعتباری و سرمایه‌ای اشخاص: ۱. جمع گردش سالانه (دوره مالی) نقل و انتقال سهام و سایر اوراق بهادار؛ ۲. جمع گردش و مانده سالانه (دوره مالی) انواع حساب‌های بانکی؛ ۳. جمع گردش و مانده سالانه (دوره مالی) انواع سپرده‌ها و سود آن‌ها؛ ۴. تسهیلات بانکی اعم از ارزی و ریالی در قالب کلیه عقود و همچنین کلیه تعهدات اعم از گشایش اعتبار اسنادی و تنزیل اعتبار اسنادی، ضمانت‌ها و نظایر آن.

د) اطلاعات دارایی‌ها، اموال و املاک و همچنین نقل و انتقال آنها.

علاوه بر اطلاعات فوق، وزارت راه و شهرسازی موظف شده است با راه‌اندازی سامانه ملی املاک و اسکان کشور، در هر زمان امکان شناسایی برخط مالکان و ساکنان یا کاربران واحدهای مسکونی، تجاری، خدماتی و اداری و پیگیری نقل و انتقال املاک و مستغلات به صورت رسمی، عادی، وکالتی و غیره را در کلیه نقاط کشور فراهم سازد. همچنین وزارت راه و شهرسازی موظف است امکان دسترسی برخط به سامانه مذکور را برای سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد کند.

علاوه بر تجمیع و یکپارچه‌سازی اطلاعات فعالان حقیقی بخش‌های اقتصادی، اطلاعات فعالان حقوقی بخش‌های اقتصادی نیز باید تجمیع و یکپارچه‌سازی گردد. بدین منظور سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف شده است با راه‌اندازی بانک اطلاعات ثبتی شرکت‌ها، موجبات دسترسی برخط سازمان امور مالیاتی کشور به سامانه مزبور را فراهم آورد.

۴-۵. نظام تجمیع اطلاعات گواهینامه رانندگی، تخلفات رانندگی و تملک خودرو

از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اعطای امتیاز مدنی به شهروندان، داشتن گواهینامه رانندگی و نوع

گواهینامه، مالکیت بر خودرو و سوابق تخلفات و تصادفات رانندگی اشخاص می‌باشد. بستر قانونی برای ایجاد سامانه‌ای الکترونیکی به‌منظور دسترسی، دستیابی، جمعیت، یکپارچه‌سازی، ثبت و ذخیره این اطلاعات نیز مهیا شده؛ چنان‌که منطبق با ماده ۲۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (مصوب ۱۳۸۹) راهنمایی و رانندگی موظف شده است با استفاده از فناوری‌های مربوطه و ایجاد پایگاه رایانه‌ای در سراسر کشور اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه موتوری اعم از شماره پلاک، نوع خودرو، نام و مشخصات مالکان و دارندگان انواع گواهینامه رانندگی، نقل و انتقال و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگی و ارزیابی تأثیر تخلفات رانندگان در ایمنی عبور و مرور را ثبت نماید.

نتیجه

در این مقاله دورنمایی از چیرستی اعتبارسنجی شهروندان، فرایند اجرایی آن، مراکز و نهادها و سازمان‌ها و دستگاه‌های دست‌اندرکار در اجرای اعتبارسنجی، معیارها و شاخص‌ها و ملاک‌های اعتبارسنجی، اقسام گزارش‌های اعتباری و امتیاز اعتباری ارائه گردید. روشن شد که مراکز اعتبارسنجی از اشخاص حقیقی یا حقوقی مرتبط با شهروندان، اطلاعات مربوط به وضعیت مالی و معاملاتی و تجارتي، اطلاعات هویتی، رویکرد فکری و عقیدتی و ایدئولوژیکی و فرهنگی، فعالیت‌های سیاسی و امنیتی و اجتماعی، سوابق حقوقی و کیفری و قضایی، روابط خانوادگی، فعالیت‌های شغلی و هر داده و اطلاع دیگری که به روشن شدن تفصیلی و کامل وضعیت شخص در همه ابعاد شخصی و اجتماعی منجر شود را اخذ می‌کند و آن را در پوشه‌ای الکترونیکی ثبت، ذخیره‌سازی، جمعیت و یکپارچه‌سازی می‌نماید. آن‌گاه هریک از مراکز، نهادها، مؤسسات و سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات، امکانات و تسهیلات می‌توانند از مراکز اعتبارسنجی اطلاعات مربوط به شخص در برخی معیارها، ملاک‌ها و شاخص‌ها را مطالبه نمایند. هر مؤسسه استفاده‌کننده تنها مجاز به اخذ اطلاعاتی است که متناسب با سنخ فعالیتش و نوع و کارکرد خدماتی که ارائه می‌دهد توسط قانون تصریح شده باشد. مؤسسه استفاده‌کننده به همراه این مطالبه می‌تواند درصد ضریب اهمیت هریک از معیارها و شاخص‌ها را نیز تعیین نماید. مراکز اعتبارسنجی نیز بر مبنای مطالبه‌صورت‌گرفته گزارشی از وضعیت شخص در آن معیارها و شاخص‌ها تهیه می‌نماید و بر مبنای ضریب تعیین‌شده برای هر معیار به شخص یک امتیاز اعتباری می‌دهد. گزارش اعتباری و امتیاز اعتباری مزبور در حدودی که قانون اجازه داده است از سوی مراکز اعتبارسنجی به مؤسسات استفاده‌کننده در سامانه‌ای برخط که از امکانات مدرن الکترونیکی برخوردار است ارسال می‌شود. مؤسسه استفاده‌کننده نیز بر مبنای این گزارش و این امتیاز می‌تواند نوع و میزان خدمت و تسهیل ارائه‌شده به شخص را مدیریت نماید.

اعتبارسنجی شهروندان با مبانی حقوقی مربوط به عدالت توزیعی و مبانی اقتصادی مربوط به ایجاد

شفافیت و امنیت بالای فضای کسب و کار به وجود آمده و اجرای دقیق آن مستلزم داشتن نظام پیشرفته الکترونیکی و برخط در عرصه استعلام اطلاعات در نهادهای قضایی و اجرایی و همچنین نظام پیشرفته الکترونیکی و برخط در عرصه جمع و یکپارچه سازی، ثبت و ذخیره لحظه به لحظه اطلاعات و اصلاح اطلاعات تغییر یافته می باشد. زمینه ایجاد این استلزامات اقتضایی در برخی قوانین مهیا شده است.

جهت گیری نظام حقوقی از دو زاویه مقاصدی و عملی قابل فهم است. از حیث مقاصدی مواد متعدد قانونی اندیشه ارتكازی قانون گذار را به نمایش می گذارد و اغراض نظام قانون گذاری در متناسب سازی اعطای خدمات، امکانات، تسهیلات و حقوق اجتماعی با امتیاز اعتباری اشخاص را به منصفه ظهور می نهد. از حیث عملی نیز قانون گذار در مواد قانونی متعدد بر اجرای اعتبارسنجی در برخی موضوعات و مصادیق خاص تصریح کرده است. این قوانین با دو رویکرد نگاشته شده اند. رویکرد نخست به سلب برخی حقوق اجتماعی یا عدم ارائه برخی تسهیلات، خدمات و امکانات به اشخاص پرداخته اند و رویکرد دوم، به اعطای برخی تسهیلات، خدمات، امکانات و حقوق اجتماعی به اشخاص اقدام کرده اند. اگرچه روش شناسی دو رویکرد فوق از دو شیوه اجرا پرده برمی دارد، اما مبنای هر دو روش فوق، متناسب سازی اعطا و سلب با اعتباری است که شهروندان در پروسه اعتبارسنجی به دست می آورند و گویای اهلیت، شایستگی و لیاقت آنان در برخورداری از حقوق اجتماعی، خدمات، تسهیلات و امکانات است.

آن چه مهم است این است که اعتبارسنجی باید از این مصادیق و موضوعات جزئی به سطح کلان و وسیع بدل شود و بدین منظور باید با فرایند مقصدیابی و غرض یابی قانون گذار و سپس با الغای خصوصیت و تنقیح مناط از این مصادیق جزئی، زمینه توسعه اجرای این ایده در سطحی را که بتواند بر حوزه وسیعی از تسهیلات، خدمات، امکانات و حقوق اجتماعی سیطره یابد، فراهم نمود.

منابع

۱. اکبری، حامد، (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، «عدالت از منظر ابوریحان بیرونی»، فصلنامه نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، سال ۸، شماره ۲.
۲. بهبهانی (وحید بهبهانی)، محمدباقر بن محمد اکمل، (۱۴۲۶ق)، حاشیه الوافی، قم: مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی.
۳. حسینی تهرانی، سید محمدحسین، (۱۴۱۸ق)، ولایه الفقیه فی حکومت الاسلام، بیروت: دار الحجه البیضاء.
۴. خوانساری، سید احمد، (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۵. سید رضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تحقیق عزیزالله عطاردی، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
۶. شهریاری، حمید، (۱۳۸۹)، «حریم خصوصی و جامعه اطلاعاتی»، فصلنامه پژوهش های فلسفی - کلامی

د/نشگاه قم، سال ۸، شماره ۳۴.

۷. محسنی، فرید، (۱۳۸۴)، «تلاقی حریم شخصی و آزادی اطلاعات در حقوق ایران»؛ فصلنامه دیدگاه‌های قضایی،

شماره ۳۶ و ۳۷.

۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، مجموعه آثار، چ ۶، تهران: صدرا.

۹. منتظری، حسینعلی، (۱۴۲۹ق)، حکومت دینی و حقوق انسان، قم: ارغوان دانش.

۱۰. _____، (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، چ ۲، قم: تفکر.

۱۱. _____، (۱۴۱۷ق)، نظام الحکم فی الاسلام، چ ۲، قم: سرایی.